

کارگران جهان متحد شوید

مبارزان کمونیست

(شماره 9)

دوازدهم مرداد یکهزار و سیصد هشتاد و هشت

Tel:0046707583441

K.mobarez@yahoo.se

سردبیر: اسد نودینیان



کمونیسم ملی و فراخوان به اعتصاب عمومی مردم در کردستان!
مجید حسینی

بمناسبت 28 مرداد سالگرد صدور فرمان حمله به کردستان از طرف خمینی، دفتر سیاسی حزب حکمتیست در تاریخ 23 ژوئیه 2009 فراخوانی بنام "فراخوان به اعتصاب عمومی مردم کردستان در سی امین سالگرد 28 مرداد" داده است. در نظر دارم در مورد جایگاه این فراخوان در چهار چوب سیاست های این حزب، موضع کمونیستی در قبال اعتصاب، اشکالات به این فراخوان و بطور کلی ترجمه عملی سیاست این حزب در کردستان بپردازم. اما قبل از آن اشاره به نکاتی بمناسبت سالگرد 28 مرداد را لازم میدانم.

بقیه در صفحه 3



برگی از تاریخ
خاطرات 28 مرداد در
مریوان اسد نودینیان



حزب "حکمتیست" و رویدادهای سیاسی در

کردستان ایران! نسان نودینیان صفحه 5

چند اطلاعی از مبارزان کمونیست

حمله نیروهای عراقی به اردوگاه مجاهدین در خاک آن کشور محکوم است

باید این رژیم آدمکش را بزرگ کنید و قاتلان را به سزای اعمالشان رساند.

تسخیر سفارت جمهوری اسلامی در استکهلم و تشبیه مزدوران رژیم اسلامی!

صفحه 6

مبارزان کمونیست میپرسد.

مصاحبه ای با اسد نودینیان در رابطه با فعالیتهای ستاد حمایت از مبارزات مردم ایران
در استکهلم ادامه در صفحه 2



دلایل یورش رژیم به کردستان در 28 مرداد را نمی توان بدون توجه به آنچه در قبل و بعد از قیام 57 در ایران و کردستان در جریان بود از هم تفکیک نمود.

حملات سرکوبگرانه ای که دولت ضد انقلاب اسلامی از بدو سر کار آمدنش در تقابل به اعتراضات و مبارزات توده ای کارگران، معلمان، زنان، جوانان، دانشجویان و دانش آموزان و حمله نظامی به مردم در ترکمن صحرا و کردستان بعمل آورد از جمله تلاشهای این رژیم برای تثبیت حاکمیت ضد انقلاب در ایران بود.

اما در کردستان بدلیل وجود ما کمونیستها و انقلابیون چپ بویژه در میان طیف کارگران کمونیست و معلمین و دانش آموزان و در میان اقشار مختلف مردم، کمونیستها در راس مقاومت و مبارزات مردم در این منطقه قرار گرفتند. این موقعیت حاصل تلاشهای آگاهگرانه سیاسی - طبقاتی در متن مبارزه وسیع و چند ساله بود که ثمر میداد و به دستمایه اجتماعی و توده ای در میان جامعه تبدیل شده بود. از بدو سرکار آمدن ارتجاع بقیه در صفحه 2

اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است (منصور حکمت)

اسلامی را گسترده کرده و بار دیگر تلاشی همجانانه را برای بزرگ کردن رژیم اسلامی سازمان دهیم.

پاد و خاطر تمامی عزیزان که در سنگر مقاومت و مبارزه عادلانه مردم کردستان جان باختند، و یاد غریزی که در اولین روزهای یورش رژیم اسلامی توسط خلخالی جلاد اعدام شدند گرامی باد.

اسد نودینیان

10 مرداد 1388 1 آگوست 2009

مبارزان کمونیست میپرسد

مبارزان کمونیست: شما یکی از اعضای "ستاد همبستگی با مبارزات مردم در ایران" در استهکلم هستید. لطفا در مورد این ستاد و کارهای آن توضیحاتی بدهید؟

اسد نودینیان- بدنبال اوج گیری مبارزات و خیزش توده ای در تهران و سایر شهرهای بزرگ تعدادی از فعالین سیاسی و نمایندگان از احزاب و سازمانهای سیاسی چپ در استهکلم به منظور سازمان دادن تظاهراتها و اکتیوینهای اعتراضی رادیکال و در هماهنگی با هم ضرورت ایجا چنین ستادی تشخیص دادیم. ما نمی خواستیم سیمای اعتراضات توده های مردم در خارج کشور را افراد و جریانات معلومحالی که تا دیروز مردم را برای شرکت در رای دادن فرامیخوانند بدست گیرند. ما میخواستیم صف مردم سرنگونی طلب و حمایت کننده از مبارزات رادیکال مردم در ایران از جریاناتی که هوای رژیم و یا جناحهای از آن را دارند جدا کنیم. تلاش ما این بود که نماینده نه مردم ایران به کلیت جمهوری اسلامی باشیم و این جریانات را افشا و اعتراضات را به مسیر واقعی خود هدایت کنیم. در یک کلام ما می خواستیم سرخها در مرکز اعتراضات این شهر قرار داشته باشند.

در این مدت موفق شدیم اکتیوینهای بزرگ اعتراضی سازمان دهیم تظاهراتهای که اکثریت جریانات چپ و سازمانها و نهادهای مدافع حقوق زنان و کودکان مشترکا با هم سازمان دادند. در میان این اکتیونها میتوانم به دو اکتیون بزرگ اشاره کنم. یکی اکتیونی که در 25 ژوئن در جواب به فراخوان سراسری که 4 اتحادیه کارگری بزرگ در دفاع و حمایت از آزادی رهبران کارگری داده بودند، بود. این اکتیون که با شرکت بیش از صدها نفر برگزار گردید، تظاهر کنندگان توانستند در ورودی سفارت را با وجود حفاظت نیروهای پلیس سوئد از آن بشکنند و با شعار مرگ بر جمهوری

می شد شهر مریوان را ماتی فرا گرفته بود. ما شهر را ترک کردیم و تصمیم مان را به مقاومت و مقابله با رژیم اسلامی گرفتیم. متاسفانه در 7 شهریور این رفقای که در دروازه خروجی شهر مشرف بر دریچه «زریبار» دستگیر شده بودند را در پادگان مریوان بدستور خلخالی جلاد اعدام شدند.

تصمیم ما کمونیستهای متشکل در کومه له به مقاومت در آن شرایط و اطلاعیه " خلق کرد در بوته آزمایش" در شرایطی که ارتجاع اسلامی حمله گسترده خود را از ماه ها قبل در سطح سراسری به دستاوردهای قیام شروع نموده بود تصمیمی تاریخی بود.

۲۸ مرداد ۵۸ شروع حرکت سازمانیافته کمونیستها در دفاع از دستاوردهای انقلابی قیام ۵۷ بود. نقش و جایگاه کمونیسم و کادرهای برجسته کمونیست در سازماندهی مقاومت توده ای، در دامن زدن به فضای انقلابی و بویژه در سازماندهی اتحاد و همبستگی در راه مبارزه و مقاومت توده ای و سد کردن حمله نظامی و سرکوبگری جمهوری اسلامی، بسرعت از محبوبیت سیاسی این طیف از کمونیستها را بیشتر کرد. ما در سالهای سخت سیاست سرکوب و ارعاب، امید به رهایی و افق سازماندهی انقلاب رهایی بخش سوسیالیستی را در ذهن و افکار و فرهنگ جامعه به سنتی ماندنی تبدیل کرده ایم. مراسمهای با شکوه روز جهانی کارگر در هماهنگی با طبقه کارگر در سطح دنیا و ایران، فستیوال های با شکوه و پر قدرت کودکان، دفاع از برابری زنان با مردان و ده ها اعتراض و اعتصاب از دستاوردهای ایندوره دخالتگرانه کمونیستها در ایران و کردستان است. کمونیسمی که از همان روزهای اول شروع مقاومت توده ای لحظه به لحظه در تمام سنگرهای سیاسی و فکری و هم سرنوشتی سیاسی و طبقاتی با طبقه کارگر و مردم در سطح سراسری، در مقابل ناسیونالیسم و احزاب ناسیونالیستی ایستادند و ناسیونالیسم و جریانات قومی - مذهبی را افشا و حاشیه ای کرده اند.

امروز سی سال بعد از حمله رژیم به مردم کردستان ما شاهد اعتراضات و مبارزات گسترده ای در سطح سراسری برای به زیر کشیدن رژیم اسلامی هستیم.

جا دارد به این مناسبت و در همبستگی با این مبارزات مردم کردستان نیز با توجه به تجربیات مبارزاتی ارزنده که طی سی سال گذشته در مقابله با رژیم اسلامی از خود نشان داده اند و در پیوند با این مبارزات به هر شکل ممکن، دامنه اعتراضات خود علیه کل نظام حاکم

از رفقا جمع شده بودیم که اخبار رادیو را گوش می دادیم که پیام خمینی برای حمله به مردم کردستان را پخش شد و رادیو بطور مرتب آن را تکرار میکرد. روز 27 مرداد، فضای شهر ملتهب بود، تدارک دفاع از شهر و در صورت لزوم عقب نشینی از آن در دستور ما قرار گرفت و برای هر شرایطی برنامه ریختیم. هلیکوپترهای رژیم بطور مرتب به پادگان شهر رفت و آمد داشتند و نیرو پیاده میکردند. خبر درگیری و حمله نیروهای جمهوری اسلامی به پناه لحظه به لحظه ما میرسید.

روز 27 مرداد ما در ساختمان اتحادیه دهقانان جمع کرده بودیم مشغول تدارک کارها شدیم. تمامی نیروهای مسلح را در چند واحد جداگانه سازماندهی کردیم. هر واحدی وظیفه دفاع قسمتی از شهر را بعهده گرفت. ارتباطات واحدها توسط ابتکارات جوانان انقلابی تامین میشد. در اینجا بمناسبت یادآوری اتفاقات آنروزها، میزان اتحاد و همبستگی میخوام اتفاقی را که منجر به نجات جان ما (عبه، نسان و اسد) شد را تعریف کنم. بعد از چند روز عدم دسترسی به حمام، هر سه از ما تصمیم گرفتیم قبل از ترک شهر به حمام ملحه برویم. هنوز تازه وارد حمام شده بودیم که نیروهای مسلح و مزدوران محلی رژیم وارد شهر می شوند و به ملحه ما آماده بودند و منزل ما را در محاصره نیروهایشان قرار داده بودن. دختر یکی از همسایه هایمان مطلع بود که ما چند لحظه قبل اش در خانه بودیم و به حمام رفته ایم.

با مشاهده این مزدوران با عجله به حمام آمده ما را مطلع نمود که مزدوران رژیم در ملحه ما و در اطراف منزل ما مستقرند. با اطلاع از نقشه دستگیری مان فوراً لباس پوشیده و به ملحه وصال شهر و دارسیران که در چنین مواقعی محل تجمع امن چپها بود رفتیم. آن شب را ما و بسیاری دیگر در این میان دوستان و آشنایان خود در این محلات بسر بردیم. روز بعد مطلع شدیم که رژیم با نیروی بزرگی در حال وارد شدن به شهر است که از آنجا تصمیم به تخلیه مقر و شهر را گرفتیم. تعداد ما بسیار زیاد بود و با اسلحه و تجهیزات خود از شهر بطرف روستای سیف حرکت نمودیم. 9 تن از رفقایمان که در رفت و برگشت بشهر در این شبانه روز از اتومبیل استفاده کرده بودند توسط نیروهای رژیم دستگیر شدند.

در دقایق تصمیم به ترک شهر، نعره پاسداران و تظاهراتهای حزب اللهی ها را در شهر های ایران علیه مردم کردستان که از طریق رادیو و با بلندگو مزدوران در شهر پخش می کردند می شنیدیم. مزدوران و نیروهای مسلح رژیم با نیروی زمینی و هوایی وارد شهر

اسلامی تا 28 مرداد سال 58 ما شاهد توطئه های گوناگونی از جانب رژیم برای سرکوب مردم و خواستها و مبارزات آنها در کردستان و اشغال نظامی آن با توسل به سرکوب خونین بودیم. برای این منظور جمهوری اسلامی وجود مرتجعین مسلح، مکتب قرآن، "قیاده موقت" و مزدورانی (جاشها) را که خود مسلح کرده بود به تکیه گاه خود در کردستان تبدیل نمود و حمله ارتش به شهر و روستاها از طرف این دارودسته ها پشتیبانی میشد. مقاومت مردم کردستان در برابر حملات ارتش و سپاه و کفن پوشان بسیجی، کردستان را به سنگر دفاع از انقلاب ایران تبدیل کرد.

ما این شرایط را بدستی می شناختیم. بدنبال کوچ موفق مردم مریوان رفیق فواد مصطفی سلطانی در جلسه ای بر این نکته تاکید نمود که رژیم اسلامی تحمل این شرایط قدرت دوگانه را در کردستان نخواهد نمود و در جریان تهدیدهای و درگیریهای که بعد از کوچ مریوان در پناه میان مردم و رژیم آغاز شده بود گفت: «که رژیم حمله خود را به کردستان آغاز خواهد کرد». ما برای تدارک مقابله با این وضعیت در تدارک سازمان دادن خود به این مقاومت شدیم. ما در آنروزها در شهر مریوان به نیروی مسلح اتحادیه دهقانان و توده های مسلح مردم در شهر و روستا و تشکلهای دانش آموزان که شکل سازمانی علنی دفاع از آزادی و انقلاب به خود گرفته بودند، متکی بودیم.

از چند روز قبل از ۲۸ مرداد، جنگ دهقانان ناحیه کرفتو با دهقانان و زحمتکشان این منطقه اوج گرفته بود، نیروی های مسلح ستاد حفاظت از انقلاب و اتحادیه دهقانان به کرفتو رفتیم. به مدت ۲ روز همراه سایر نیروهای مسلح اتحادیه های دهقانی و نیروهای انقلابی سفر و بوکان، در این جنگ شرکت کردیم. روز ۲۶ مرداد به طرف مریوان حرکت کردیم و در ارتفاعات منطقه سرشیو از توطئه و حملات ارتش و مجاهدین اسلامی به شهر پناه و مریوان تحت فرماندهی خلخالی جلاد اطلاع حاصل کردیم، و بر میزان آمادگی و دفاعی خود افزودیم. جمعی از ما از همانجا برای تهیه سنگ قبر رثوف کهنه پوشی که سمبل و نماد بارز یک انقلابی کمونیست و محبوب در شهر روستاهای مریوان بود و در جریان حمله ما به مقر سپاه پاسداران در نزدیک ایستگاه رادیو تلویزیون که در ۲۳ تیر ۵۸ جانباخته بود، برای انتقال این سنگ از سنندج به روستای «رشه ده» رفتند. در ظرف کمتر از ده ساعت سنگ را به محل دفن رثوف رساندند. در ادامه رفقای که به کرفتو برای کمک به دهقانان آنجا رفته برگشته بودند. بخاطر دارم که در منزل ما تعدادی



بقیه از صفحه 1
کمونیسم ملی و فراخوان به اعتصاب عمومی مردم در کردستان!

در 28 مرداد سی سال پیش (سال 1358) خمینی جلال دستور حمله سراسری به کردستان را صادر کرد. از آن روز تاکنون جامعه کردستان و شهر و روستاهای آن جولانگاه نیروهای سرکوبگر رژیم است و فضای نظامی و ارباب بر این منطقه حاکم کرده اند. ضد انقلاب اسلامی جنگ خود با مردم را با توپ باران شهر و روستاها، اعدامهای دسته جمعی، قتل عامهای متعدد و کشتار مردم تا به امروز ادامه داده است. آن زمان این حمله رژیم با اعتراض مردم در شهرهای ایران و در دانشگاهها در حمایت از مردم کردستان جواب گرفت. بهر میزانی که جمهوری اسلامی توانست این اعتراضات را در تهران و دیگر شهرهای ایران به عقب براند، دامنه وحشیگری و جنایات خود در کردستان را وسعت میداد. حاصل مبارزات مردم در شهرهای ایران و مقاومت مردم در کردستان به ناکامی این حمله رژیم و عقب نشینی آن انجامید و در نتیجه آن احزاب و نیروهای مسلح بشهرها برگشتند. آنچه در کردستان بنام "جنبش اول" مشهور است حاصل این مقاومت و مبارزات هماهنگ و مشترک مردم در ایران و در کردستان با هم بود. فرماندهان و مجریان حمله به کردستان و قتل عام زندانیان در سالهای 60 و سنگسار زنان و اعدام کودکان و به گلوله بستن کارگران توسط سران دو جناح رژیم و از جمله سران جناح موسوم به اصلاح طلب از جمله آقای جلالی پور که مسئولیت مستقیم اعدامهای سال ۵۹ مهباد را بر عهده داشت، و جلال مستقیم خمینی، خلخالی، پدر خوانده های جناح سبز و سپاه فعلی جمهوری اسلامی اند. امروز ترس از سقوط نظامشان توسط مردم همه اینها را به جان هم انداخته است. دوره فعلی بار دیگر ضرورت و اهمیت مبارزه و اعتراض همزمان و هماهنگ مردم در ایران و کردستان را برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی حیاتی کرده و فراخوان به اعتصاب باید همبستگی مبارزاتی و احساس هم سرنوشتی در بین مردم را تقویت بنماید. کمونیستها با محفوظ کردن رابطه مردم کردستان با بقیه ایران و با جواب روشن و عادلانه به مسئله ملی، ناسیونالیسم کرد را در تنگنا قرار داده اند و زمینه های مادی این همبستگی را محکم کرده اند. جمهوری اسلامی با سرکوب مردم و حمله به دستاوردهای انقلاب 57 در شهرها و دانشگاهها و مدارس و کارخانه ها زمینه حمله 28 مرداد را فراهم آورد و مقاومت مردم کردستان در برابر حمله رژیم، کردستان را "سنگر انقلاب" کرد و نه سنگر منحصر

کردستانی. قبل از حمله 28 مرداد جمهوری اسلامی تازه سر کار آمده به خوزستان حمله کرد، به ترکمن صحرا حمله کرد، به دانشگاهها حمله کرد، به زنان حمله کرد به روزنامه ها و رسانه های غیر دولتی حمله کرد و فعالیت سازمانها چپ را ممنوع کرد. 28 مرداد به همه مردم مبارز به همه آزادیخواهان در ایران و در کردستان مربوط است. ناسیونالیست ها دوست دارند 28 مرداد را کردستانی کنند و فراخوان امروز حزب حکمیتست (حککج) به اعتصاب عمومی در کردستان دقیقاً همین کار را میکنند. در این نوشته تمرکز بحث بر سر روشن کردن همین نکته است و پنهان کردن یک موضع صراحتاً راست با یز "مرزبندی" با سبز و سپاه زیادی ناشیانه است. اگر نیروی مدعی چپ تازه پس از سی سال از عمر جمهوری اسلامی هنوز بخواهد نشان بدهد که با جناحهای رژیم اسلامی مرزبندی دارد، اوضاعش تعریف زیادی ندارد. اینجا بحث بر سر جایگاه این فراخوان و لایروبی کاتالهای تحرک ملی گرانی در شرایط پر تحول و پیچیده امروز توسط این حزب است.

اینکه آیا اعتصابی در کردستان صورت میگیرد یا نه و اگر اعتصاب شد چقدر جواب به این فراخوان مشخص و بطور کلی جواب به در خواست اعتصاب عمومی در کردستان به نفوذ سیاسی فراخوان دهنده ارتباط دارد موضوعاتی جداگانه اند. اینجا مسائلی هستند که در تاریخ مبارزاتی مردم در این منطقه و با اندک دقتی در تجربه آخرین اعتصابات و از جمله در اعتصاب مردم شهر مهباد در 18 تیر 1384 در اعتراض به کشتن شوانه قادری، بدنبال آن اعتصابات پشت سر هم در شهرهای آشنویه در سوم مرداد، بانه در هشت مرداد، سنندج در دهم مرداد، بوکان در 12 مرداد، اعتصاب عمومی مریوان در همان روزها و تظاهرات مردم در دیواندره در حمایت از مردم مهباد و آشنویه خود را نشان داد. هیچکدام از این اعتصابات به فراخوان هیچ نیروی سیاسی انجام نگرفت. بدنبال این مجموعه اعتراض و اعتصابات پراکنده، در 16 مرداد 1384 به فراخوان کومه له شهرهای کردستان بطور یکپارچه اعتصاب کردند و تعطیل شدند. اعتصاب سال 1387 شهر مریوان در اعتراض به بستن مرز را هیچ حزب و سازمانی فراخوان نداده بود. اشاره به این نمونه ها از اعتراض و اعتصابات شهری و سراسری در کردستان بمنظور نشان دادن سنت عمومی اعتراض و اعتصاب مردم در کردستان در تقابل با جمهوری اسلامی است. وجود این سنت اجتماعی اعتراضی و در پناه آن سنت حزبی بودن جامعه کردستان و توجه مردم به احزاب و

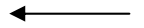
جریانات سیاسی در این منطقه از داده های موجود و ابزارکتیو آن جامعه اند. نقطه قدرت این سنت در کردستان نقش چپ در شکل دادن به آن و تداعی شدن تحریکات توده ای رادیکال و عمومی با جریانات چپ و کمونیسم در آن است. در نتیجه این زمینه های اجتماعی امکان اینکه به فراخوان جریان سیاسی بی نفوذی در شرایطی حرکت سراسری در کردستان صورت گیرد و به فراخوان جریان صاحب نفوذی در شرایط دیگری جواب داده نشود وجود دارد. تمام مسئله بستگی به تشخیص درست شرایط سیاسی و تشخیص بموقع جریان فراخوان دهنده در انطباق با اوضاع جامعه و پتانسیل و سنت های مبارزاتی درون آن دارد. علاوه بر اینها مردم از سر مواضع احزاب و سبک و سنگین کردن آن به فراخوانها برخوردار نمی کنند، اما جریانات سیاسی و کمونیستها بدست اینکار را خواهند کرد. جواب مردم به فراخوان کومه له در 16 مرداد سال 1384 در همین دایره قابل بررسی است. در نتیجه نفوذ جریانات سیاسی چپ و ناسیونالیست در کردستان مساوی و همپراز با جواب و یا عدم جواب بفرخوان آنها نیست. این موضوعی است که در پرتو تحولات جدید ایران کشمکش بین راست و چپ در صحنه سیاسی جامعه کردستان را در شرایط کاملاً متفاوتی با گذشته و با آرایش و صف بندیهای های کاملاً جدیدی از نیروهای سیاسی در آن شدت داده و دوباره به جلو صحنه آورده است.

فراخوان اخیر حککج در کردستان نمونه ای از تقابل گرایشهای مختلف سیاسی در ایندوره جدید و شکل گیری صف بندیها در میان جریانات چپ است. اعتراضی در کردستان صورت بگیرد یا نه شدت گرفتن کشمکش نیروهای سیاسی حول 28 مرداد و دخالت در آن برای تقویت پایه های اجتماعی جنبش کمونیستی و جدا کردن صف خود از ناسیونالیسم در کردستان بسیار بسیار ضروری است. واضح است که این فراخوان در "خلا" اتفاق نیافتاده و رهبری این حزب خواب نما نشده است. برای پس زدن یک فشار واقعی بر اینها که در جریان رویدادهای خیره کننده جامعه ایران آشکارا به راست چرخیدند، راه دیگری جز زندگی در شکافی که احزاب ناسیونالیست کرد همیشه بین "کردستان" و بقیه ایران باز کرده و به آن قائل بوده اند، ندیدند. رهبران حککج فکر میکنند زیرکی کرده اند و یکماه قبل از 28 مرداد دست جلو بیندازند و با تردستی میتوانند حاصل مبارزات مردم در کردستان را به جیب خود بزنند و درد خود را با آن درمان کنند. نه اینکار نشدنی است. حککج همواره سعی کرده است تحریکات راست خود را عین درایت و

تعلق به چپ و کمونیسم بنامد و اینبار هم همین کار را کرد. اگر این حزب نقش کمونیستها در جریان 28 مرداد را واقعه مهم میداند چگونه است که به آنها لقب "سربازان بی جیره و مواجب" رژیم اسلامی داد؟ به نویسنده اطلاعیه "خلق کرد در بوته آزمایش" برچسب "پرووکاتور پلیس" زد و کومه له را شاخه وزارت اطلاعات نام برد. اصلاً کسی هست که اگر با این حزب مخالف باشد و برای بد نام کردنش مجاهدتی نکرده باشند؟ در چنین مقطعی است که فعالین چپ با انتخاب خط راست و یا چپ سرنوشته سیاسی آینده خود را رقم میزنند. حککج در برخورد به جنبش اعتراضی مردم در ایران براست زد و برای گریز از زیر بار فشار سیاسی این راست روی در کردستان سنگر گرفته است. رهبری این حزب میخواهد این فراخوان و جواب احتمالی به آن را دستمایه توجیه سیاست های عقب مانده خود در برخورد به مبارزات مردم در ایران بنماید و از این طریق خود را منسجم کند و جنبش کمونیستی در کردستان را به سموم محلی گری آلوده بنماید. در این جهت گامهایی بر داشته و این حزب همراهی نکردن مردم در کردستان با اعتراضات بقیه شهرهای ایران را ستایش میکند و از آن فضیلتی ساخته است. عنوان مقاله دبیر کمیته کردستان این حزب بنام " چرا جنبش سبز در کردستان حمایت نشد" بدون هیچ توضیحی محتوای سیاست آنها در کردستان را منعکس میکند. با این وجود جا دارد توجه خوانندگان را به جمله زیر از همین مقاله در رابط با برخورد دو گانه رهبران این جریان به مردم در کردستان و به مردم در ایران جلب کنم.

"علیرغم همه مبارزات تند و تیزی که بر علیه رژیم در تهران و شهرهای دیگر شد، رادیکالیسم مردم (یعنی رادیکالیسم مردم در کردستان) و جنبشهایشان بر علیه کل جمهوری اسلامی حرف اول را زد و این مردم طرفدار جنبش سبز نشدند." کلمات داخل پرانتز از من است.

این حزب نه پیوستن کردستان به اعتراضات مردم در ایران و سکوت و بی تحرکی مردم در این منطقه را "رادیکالیسم" می داند که "حرف اول را زد"، تعجب نکنید بی تحرکی "حرف اول را زد"، اما بگفته خودش اعتراض "تند و تیز بر علیه رژیم در تهران و شهرهای دیگر" هیچ حرف رادیکالی را نزد! تقدیس سکوت در کردستان و نفی "مبارزات تند و تیز" خارج از کردستان علیه رژیم دو گانگی و تفاوت در برخورد به مردم در محل و مردم خارج از این محدوده را نشان میدهد. کمتر جریانی جدی ناسیونالیستی تا کنون جرئت کرده از



موضع کردستانی مبارزات مردم در ایران را اینگونه مورد حمله قرار دهد. اشکال دیگر این موضع در بخش دوم این جمله که رادیکالیسم مورد نظر را از "مردم و جنبشهایشان" استخراج کرده مستتر است. جنبشهای مردم در کردستان یعنی چه و کدام جنبشها مورد نظر است؟ در کردستان چیزی بنام جنبشهای مردم که بتواند "حرف اول" و آنها را رادیکال را بزند نداریم. این تعریف از "جنبش" در کردستان را ناسیونالیستها همیشه کرده اند و کمونیستها در طی سه دهه اخیر همیشه علیه اش ایستاده اند. در کردستان جنبش ملی و کمونیستی را داریم و "مردم و جنبشهایشان" چه صیغه ای است؟ در این جامعه جنبشهای مختلف اجتماعی و متضاد با هم فعالند و کمونیسم و ناسیونالیسم کرد هر یک تاریخ جداگانه ای پشت سر دارند. انگار که این حزب در تقابل با مبارزات مردم در ایران کم آورده و به کردستان پناه برده و با فرمول "رادیکالیسم مردم و جنبشهایشان" کمونیسم و ناسیونالیسم در منطقه را در برابر با مبارزات مردم در ایران در یک جبهه به صف کرده است. شخصاً نویسنده این مقاله، اسد گلچینی را ناسیونالیست نمی دانم ولی سیاست حزب آنها و امتدادش در کردستان معنی دیگری بجز تقویت جبهه بورژوا ناسیونالیستی نمی تواند داشته باشد و این سیاست او و بسیاری دیگر را به این موضع انداخته است.

تعریف و تمجید از مردم در کردستان بخاطر اینکه کاری نکردند، همزمان با آن سبز خواندن مبارزات دیگر شهرها و ریختن یکسره آن به کیسه جناحی از رژیم جدائی و دوری بین مردم در کردستان با بقیه مناطق ایران را باد میزند. این حزب به مردم در کردستان میگوید تنها شما علیه سبز و سیاه هستید و مردم متعرض در ایران را نشانه گرفته و آنها طرفداران دو جناح سبز و سیاه معرفی میکند. سیاستی که اعتراضات اخیر مردم در ایران را تحویل دو جناح سبز و سیاه رژیم میدهد و کردستان را از ایران جدا میکند و خطاب به آنها میگوید تنها شما سرنگونی طلب هستید معنی عملی اش جدا کردن حساب کردستان از بقیه ایران است.

دادن فراخوان به اعتصاب عمومی با این سیاست و با این متد جداسازی، حس برتری و غرور ملی و خودمانی در کردستان را در برابر با مردمانی که در آن ور این حیطه جغرافیائی بدور سبز و سیاه گرد آمده اند تقویت میکند. در این متد کردستان تنها است و در برابر خود مردم ایران و دو جناح حکومتی را یک جا و در کنار هم در مقابل با خود می بیند. این تصور از جامعه ایران بطور کلی بی

اساس و پوچ است، خط مضرری است که هیچگونه قرابتی با واقعیات جامعه ایران در هیچ دوره از تاریخ آن در سه دهه اخیر ندارد. کمونیستها در اوج توهم بخش هائی از مردم ایران به جمهوری اسلامی در طول 30 سال اخیر هیچگاه اینگونه غیر مسئولانه به مردم در ایران و رابطه مبارزاتی آنها با مردم در کردستان برخورد نکرده اند. همیشه مواظب بوده ایم، جنب و جوش و سینه خیز ناسیونالیسم کرد را در هر قالبی را زیر نظر بگیریم و اجازه ندهیم در تحت هیچ شرایطی حزب دمکرات کردستان ایران و دیگر نیروهای ناسیونالیست مقاومت مردم در کردستان را دستمایه نفاق و جدائی بین مردم بکنند. جدا سازی بین مردم در کردستان با مردم در ایران یک رکن پایه ای فعالیت جریانها ناسیونالیست در کردستان بوده و هست و خنثی کردن این جدا سازی بخشی از تلاش دائمی نیروهای چپ و کمونیست در آن است. اکنون در اوج اعتراضات توده ای مردم ایران در برابر با رژیم اسلامی حزب حکمتیست از خلاء عدم حزب کمونیستی استفاده کرده و دارد این پرچم قدیمی ناسیونالیستها را اساد بدوش میگیرد و جارش میزند و برای توجیه اش تئوری سر هم بندی میکند. ما بسهم خود جلو این را خواهیم گرفت. جملات زیر از فراخوان دفتر سیاسی این حزب بروشنی این را میگوید:

"در اوضاع متحولی که دو جناح رژیم اسلامی بر سر سهم خود از قدرت بجان هم افتاده اند، یک بار دیگر، شفافتر و رادیکالتر از همیشه، بر عزم خود به مداوم مبارزه تا برچیدن کلیت رژیم اسلامی تاکید کنیم. این اعتصاب الگویی برای هر کارگر و زحمتکش معترض است که نیروی اعتراض خود را با پرچم آزادیخواهی و در تقابل کامل صف مستقل خود علیه پرچمهای سبز و سیاه هر دو جناح جمهوری اسلامی، به حرکت در آورد."

اگر کلمات ظاهرا رادیکال این نقل قول ذهن ما را به بیراهه نکشاند در جمله اول گفته آنچه در ایران هست جنگ جناحها است و مردم کردستان "یک بار دیگر" مانند گذشته تا "برچیدن کلیت رژیم اسلامی" باید به میدان بیایند. مثل اینکه مبارزه با کلیت رژیم فقط بر دوش مردم کردستان قرار دارد و اتفاقی نیست که در فراخوان دفتر سیاسی این حزب یک کلمه در مورد اهمیت همبستگی مبارزاتی بین مردم در کردستان با مردم در ایران وجود ندارد. آیا از نظر این حزب مردم غیر جناحی در ایران هست یا نه معلوم نیست؟ اگر هست این مردم در کجای این فراخوان جا میگیرند؟ در جمله دوم این نکته را روشن کرده و اعتصاب و اعتراض در

کردستان را صف مستقل آزادیخواهی از سبز و سیاه به حساب آورده است. طبق این فراخوان و سیاست این حزب در برخورد به جنبش اعتراضی مردم، آنچه در خارج از کردستان میگذرد سبز و سیاه و رژیم، آنچه در کردستان میگذرد آزادیخواهانه است و مردم این منطقه "پرچم آزادیخواهی" را تنها خود بدوش دارند. این حزب سبک ناسیونالیست ها را بکار میگیرد و فکر میکند میتواند از انرجار مردم کردستان از جمهوری اسلامی با فرمول علیه سبز و سیاه ناسیونالیسم کرد را بالا بکشد. جنبش کمونیستی در کردستان ناسیونالیسم را در هر رنگ و بسته بندی حتی با شگردهای "استقلال طبقاتی کارگران" و با تزئیناتی از کلماتی چون کارگر و کمونیسم و غیره می شناسند و قادرند نقاب را از چهره آن کنار بزنند. ما به هیچ جریانی اجازه سواستفاده از مقاومت و مبارزه مردم در کردستان و جلو آوردن کمونیسم کردی و کردستانی را نخواهیم داد. این حزب بار اول در جریان برخورد به فراکسیون درون کومه له پشت ناسیونالیسم رفت و اینبار خود پرچمدار ناسیونالیسم شد. فراخوان اخیر این حزب بر متن سبز خواندن جنبش سراسری مردم نتیجه ای جز محلی گری در کردستان و راست زدن را در بعد سراسری را ندارد و عوارض چنین سیاستی رشد سبزها و جریانها پرو غرب و پرچم شیر و خورشید است.

شرط تدارک هر اعتراض رادیکالی در کردستان در گرو طرد سیاستهای حزب "حکمتیست" است!

آیا باید از اعتصاب و اعتراضات سراسری مردم در کردستان بمناسبت 28 مرداد و تلاش برای براه انداختن آن دخالت کرد؟ با توجه به ایرادات جدی ناظر بر این فراخوان از طرف حککح جواب به سوال بالا نمی تواند آری یا نه باشد. عنوان سر تیتر بالا جواب به این سوال را در خود دارد. زیرا که تلاش برای براه انداختن اعتصاب عمومی در حمایت از مبارزات سراسری مردم و برای سرنگونی رژیم جدا از طرد و افشای سیاست های حککح نیست. اینکار با کناره گیری و بی موضعی در قبال این ماجرا به پیش نمی رود و راه آن دخالت است، تلاش است در شکل دادن به یک حرکت اعتراضی سراسری در کردستان. نباید هیچ انسان کمونیست و مبارزی و هیچ حزب و نیروی سیاسی چپی در ایران و کردستان به بهانه وجود ناسیونالیسم در کردستان بدام روش حزب "حکمتیست" در برخورد به مبارزات مردم و این اعتصاب مشخص بگردد. اگر ارزیابی جریانی این است که اعتصاب نمی شود باز هم لازم است در این بحث دخالت کند

و چپ را تقویت کند و ناسیونالیسم را منزوی نماید. اگر ارزیابی اش چیز دیگری و مثبت است ضرورت این دخالت صد چندان میشود و تنها از این طریق میشود میداناری راست را محدود کرد و سر جایش نشاند. در هر صورت هدف این است همبستگی مبارزاتی آزادیخواهانه مردم تقویت بشود و جنبش کمونیسم در کردستان را با درایت و موفقیت از این گذرگاه عبور داد و قوام بخشید. مبنای برخورد به این فراخوان نباید از سیاست های راست و ملی گرایانه حزب "حکمتیست" نشئت بگیرد، جامعه مبنا است و موضوع حاشیه ای کردن محلی گری این حزب است. اینکار بدون شرکت فعال و فراخوان به اعتصاب و یا حرکت عمومی در کردستان ممکن نیست. شرایط امروز گرفتن موضع فعال از طرف نیروهای سیاسی را ایجاب میکند. اگر این حزب اینقدر نفوذ داشت که بتواند حدود و ثغور اعتصاب و خواستها و شعارها و سیاست جاری بر آن را تعیین میکرد، میبایست ضمن مخالفت جدی با چنین حرکتی از طریق دخالت فعالانه در آن مردم را متوجه اشتباهاتشان کرد. اما نه این حزب چنین نفوذی را دارد و نه اینکه اگر اعتصابی در کردستان درگیرد در دایره سیاست های این حزب محبوس خواهد ماند. وجود جنبش کمونیستی قوی در کردستان و سنت مبارزاتی در آن مرزهای سیاست این حزب را در هم خواهد شکست. منفعت جامعه و تقویت جنبش کمونیستی و جنبش اعتراضی برای سرنگونی جمهوری اسلامی در ایران و کردستان تعیین کننده سیاست در قبال این فراخوان است. از قیام 57 به این طرف مردم آزادیخواه در کردستان نه تنها هیچگونه تظاهرات و راهپیمایی و اعتصابی را بر علیه مردم در ایران انجام نداده اند دارای تاریخ غنی و تجارب گرانبهائی از همبستگی مبارزاتی در دوره قیام 57 و بعد از سرکاز آمدن جمهوری اسلامی در تقابل با این رژیم هستند. مردم باید از این تجارب تاریخی گذشته خود و دستاوردهای مشترک مبارزاتی با بقیه مردم ایران در ایندوره استفاده بنمایند. پیچیدگی مسئله اینجا است که نیروها و نهادهای ناسیونالیست کرد از سبزه ها دفاع میکنند، حزب "حکمتیست" جنبش مردم ایران را سبز معرفی میکند، دفاع یکی از سبزه ها و زدن مهر سبز بر سینه مردم از طرف دیگری، تشدید رقابت حزبی بین این نیروها در کردستان و در انتهای آن تقویت ناسیونالیسم در عمق جامعه کردستان را به همراه دارد. این دو سیاست ظاهرا در کردستان با هم متضادند ولی در خارج از این جغرافیا یکی اند. اگر از منظر مردم در تهران و شیراز و اصفهان و مشهد و تبریز به آن بنگرید همسنگری این دو خط "متضاد" بیشتر بر ملا خواهد شد.

مجیدحسینی

29 ژوئیه 2009

(7 مرداد 1388)

majid.hosaini@gmail.com

www.mobarez-k.com

حزب "حکمتیست" و رویدادهای سیاسی در کردستان ایران!

حزب موسوم به حکمتیست در رویدادهای سیاسی در ایران و کردستان بحق جایگاه "مهم" و "رفیعی" را فتح کرد. بر صندلی ناسیونالیستها که عملاً مانع پیوستگی خیزش های مقطعی در تقابل با نظام جمهوری اسلامی هستند جلوس کرد. محفلی که دور کورش مدرسی به عنوان فرماندهان پیشبرد سیاستهای "استراتژیک" رهبری شان را توضیح و تشریح کرده اند، بطور واقعی و در دنیای سیاست در صف نه چندان ناشناخته ای قرار گرفتند. اینها که منفی بافی در مورد خیزش میلیونی مردم برای عبور از اسلام سیاسی را در پوشش عوامفریبانه "استقلال طبقاتی کارگران" نمایندگی کردند با تکبر و تفرعن خاصی که دیگر به اخلاقیات این شبه حزب تبدیل شده است بجای ناسیونالیستها در برابر جنبش سراسری سرنگونی طلبی ظاهر شدند. و البته اینبار در همسویی با جلال طالبانی، که بویژه پس از تصمیم دولت آمریکا برای خروج نیروهای نظامی از عراق بشدت از تزلزل ارکان حاکمیت رژیم اسلامی به عنوان "همسنگر دیرین" نگران و هراسناک شده است. عدم خیزش و تحرکات در هماهنگی با خیزش میلیونی مردم در تهران و سایر شهرها، برای حزب حکمتیست دیگر دستاویزی شده است تا بگویند یارهای دیرین سردار رحیم صفوی در کردستان هنوز این توان را دارند که در مقابل پیوستن مردم به تحرکات سراسری برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی مانع و سد بزرگی ایجاد کنند. و سران این حزب موقعیت کنونی و کم تحرکی مردم در برخی شهرهای کوچکتر و از جمله در کردستان را بعنوان "رادیکالیسم انقلابی" قلمداد میکنند. اسد گلچینی از رهبری حزب "حکمتیست"، در نوشته ای تحت عنوان «چرا جنبش سبز در کردستان حمایت شد» کرنولوژی مواضع احزاب اپوزیسیون در کردستان را نوشته و مفتخرانه مواضع راست و ارتجاعی حزب "حکمتیست" را بعنوان "رادیکالیسم انقلابی" مردم کردستان، قالب کرده است. هیچ چیز جز این اشتراک در شادی و شوق از عدم سرایت تحرکات میلیونی ایران به کردستان، موضع واقعی تر احزاب کردیایه تی را نشان نمیدهد. واقعیت این است که این همسنگرگی و هم سنروشتی با بستر ناسیونالیسم کرد را به نام کمونیسم و یا حفظ استقلال طبقه کارگر نمیتوان پنهان کرد.

ما و مردم کردستان با تاریخ بیش از سه دهه جنبش اعتراضی و ضدیت مردم با جمهوری اسلامی آشنا هستیم. ما میدانیم که

مبارزان کمونیست

در تند پیچ های سخت اعتراضی مردم کردستان، نه به جمهوری اسلامی را نمایندگی کرده و رادیکالیسم انقلابی را در مقابل کل نظام حاکم و اسلامی نمایندگی کرده اند. در متن تنفر عمیق از جمهوری اسلامی و تلاش بخش مهم و عمده مردم در کردستان برای حل مساله کرد، احزاب سیاسی در دوره های مختلف هر کدام نقش و جایگاه منحصر بخود را ایفا کرده اند. کم نیستند آن مقاطعی که احزاب ناسیونالیست و قومی و بخشهای مختلف حزب دمکرات و ناسیونالیستها از قبیل پژاک، در حالیکه اعتراضات سراسری در ایران وجود داشته، از گسترش این اعتراضات در کردستان ممانعت بعمل آورده و عملاً با فضایی ناسیونالیستی و ارتجاعی بخشهایی از شهرهای کردستان را از پیوستن به اعتراضات سراسری محروم کرده اند. یک بحث پایه ای و دائمی کمونیسم کارگری تاریخا در کردستان همین فضا و تلاش برای خنثی کردن هژمونی سیاسی ناسیونالیسم کرد در کردستان بویژه در مقطعی بوده است که مردم در ایران در مقابل جمهوری اسلامی صف آرایی اعتراضی داشته و در این مقاطع ناسیونالیسم کرد، موانع و سد ایجاد کرده، و عملاً در مقابل رادیکالیسم انقلابی مردم کردستان صف آرایی کرده اند. در یک کلام ناسیونالیسم کرد اگر در شکاف اوضاع منطقه ای در کردستان و خاورمیانه تلاش کرده که موقعیت و هژمونی ناسیونالیستی - سیاسی خود را اعمال کند، اما در بعد داخلی اینبار تلاش ممانعت از پیوستن مردم کردستان به اعتراضات سراسری بوده است. ما تاریخا تلاش کرده ایم که این موقعیت احزاب ناسیونالیستی را خنثی و مردم کردستان را با اعتراضات سراسری هماهنگ و یک صدا کنیم. رهبری حزب "حکمتیست" در بطن رویدادهای اخیر جامعه ایران، به جای سیاست شرمگینانه و جیونانه احزاب ناسیونالیست کرد که شهامت نداشتند صراحتاً در تقابل با خیزشهای اخیر در تهران و شهرهای بزرگ ایران حرفی بزنند، نمایندگی همان سیاست ها را بر عهده گرفت.

اعتراضات ۱۸ تیر، اعتراضات سراسری دانشجویان در تهران و سایر شهر نمونه های برجسته ای از تلاش ناسیونالیستها در ممانعت از هماهنگی اعتراضات سراسری مردم کردستان با اعتراضات سراسری در ایران است.

با علم به این وقایع و سیر تاریخی از رویدادهای چند دهه گذشته، و با علم به جایگاه ناسیونالیسم کرد در کردستان ایران بعنوان جریانی مانع در سراسری کردن اعتراضات و مطالبات سراسری، ما امروز با پدیده جدیدی در میان طیف چپ و کمونیست روبرو هستیم که با اتخاذ سیاستهای راست و ارتجاعی موانع جدیدی

تحت نام "جنبش سبز" در مقابل رادیکالیسم مردم کردستان ایجاد کرده است. و امروز ما می بینیم که حزب "حکمتیست" با چه شتاب سرسام آوری و با اشتیاق بسیار مفتخرانه ای جایگاه خود با احزاب ناسیونالیست را عوض کرده و امروز که متأسفانه یک جریان که خود را کمونیست میداند در مقام یک جریان ناسیونالیست محلی عدم هماهنگی و خانه نشینی مردم در کردستان را بعنوان "رادیکالیسم انقلابی" جار میزند. و عملاً در مقابل اعتراضات سراسری در اردوی احزاب کردی و ارتجاعی چادر میزند. حزب "حکمتیست" در ایندوره و بعد از رویدادهای ۲۲ خرداد امسال عملاً به جای رفیع و ارتقا یافته ناسیونالیسم کرد پرت شد و عملاً در مقابل آن صداهای میلیونی که مردم در تهران و سایر شهرها آفرینند، ایستاد. و متأسفانه اینبار خارج از اینکه صندلی احزاب ناسیونالیست را اشغال در کاتاکوری و بروشور احزابی قرار گرفت که ترس و وحشت از ساقط شدن رژیم اسلامی را نمایندگی کردند. راستی این تجسم واقعی زندگی با سنت های حزب توده پس از "انقلاب اسلامی" نیست؟ "اننو توده ای" آیا برزنده واقعی اینها نیست؟

به نظر من، هر درجه سکوت و اغماض در افشای مواضع و سیاستهای راست و ناسیونالیستی محفل رهبری حزب "حکمتیست" که در دوره اخیر سکان این ناسیونالیسم و زبان "پرخاشگر" آنرا نمایندگی کردند، جایز نیست. "بلوغ" و جهش سیاسی حزب موسوم به "حکمتیست" دیگر قابل دستکاری و حک و اصلاح نیست. آخر و عاقبتشان بخیر!

نسان نودینیان 18 تیر 1388

دوازدهم مرداد یکهزار و سیصد هشتاد و هشت

از دست جریانات حاشیه ای جمهوری اسلامی اکثریتی ها و جریانات سبز را سلب کنیم. این دو حرکت و مجموعه دیگری از تظاهرات و اکسیونهایی که در طی اینمدت توسط "ستاد همبستگی با مبارزات مردم در ایران" سازمان داده شده است در مینیا و رسانه ها منعکس شد و تأثیرات موثری داشت.

علاوه بر سازماندهی این اعتراضات، روزانه با نمایشگاه عکس و میز اطلاعاتی در مرکز شهر حضور داشتیم و مردم را از شیوه تظاهراتها، سرکوب و آنچه در ایران میگذرد مطلع میکردیم.

مبارزان کمونیست: به تسخیر سفارت اشاره کردید این اقدام جسورانه انعکاس وسیعی پیدا کرد و عکس العملهای مختلفی بهمراه داشت من است کمی بیشتر در این مورد توضیح بدهید؟

اسد نودینیان- در ابتدا لازم است به فضای حاکم بر تظاهرات و چگونگی تسخیران توسط تظاهرکنندگان اشاره بکنم. با شروع تظاهرات و صحبت سخنرانان، تظاهرکنندگان تصمیم به تسخیر این لانه جاسوسی را گرفتند. نیروهای پلیس سوند برای جلوگیری از حمله تظاهراتکنندگان به سفارت در اطراف درب ورودی آن حضور داشتند. در داخل حیاط سفارت مزدوران سفارتی گاه گاهی خود را نشان میدادند و مردم را تحریک می کردند. جمعی از تظاهرکنندگان خشمگین بسوی درب ورودی این لانه جاسوسی نزدیک شده به آن حمله کردند درب ورودی را شکستند و تعدادی از تظاهرکنندگان پرچمهای قرمز وارد آنجا شدند. مزدوران سفارتی با چاقو، باتوم، لوله های آهنی و اسلحه های الکترونیکی برای مقابله با تظاهرکنندگان آمدند درگیری میان تظاهرکنندگان و آنها شروع گردید. در جریان این درگیریها چند نفری از ما زخمی و چند نفر از آنها نیز زخمی شدند و هر دم بر تعداد ماشینهای پلیس اضافه میشد و اقدام به تیراندازی هوانی کردند. در نتیجه این اقدام پلیس جمعیتی که در داخل سفارت بودند آنجا را ترک کردند و در جلو درب ورودی سفارت ما به تظاهرات خود ادامه دادیم. برای انتقال زخمیهای سفارتی چند آمبولانس به آنجا آمد. پلیس میخواست سفیر رژیم و کارمندان آن را به محل امنی انتقال دهد. صف فشرده تظاهرات مانع انتقال آنها بود و بالاخره با کشتی و از راه آبی آنها را منتقل کردند. صحنه های جالبی بود. تظاهرکنندگان شعار می دادند " این هنوز اول کاره " " این فقط دست گرمی بود".

در حین تظاهرات اخبار آن فوراً از طریق اکثر کانالهای ماهواره ای پخش گردید و از ایران تماسهایی با برخی از تظاهرکنندگان گرفته شد و این اقدام را تیریک گفتند. بیشتر رسانه ها و رادیوها و کانالهای تلویزیونی سوند خبر تسخیر سفارت در راس اخبارشان بود.

این اقدام در شرایطی صورت گرفت که جناح سبزه چپ روز قبل از ما با سکوت در جلو سفارت تظاهرات داشتند. تفاوت این دو تظاهرات نشانه دو الگرناتیو مختلف، از یک طرف جریانات اصلاح طلب و سبز که در چارچوب "مسالمت آمیز" و در قالب سکوت تجمع و تظاهر ایشان برگزار میشد، در طرف دیگر طیف وسیع نیروهای چپ و رادیکال بود.

اگر تسخیر سفارت در میان توده های مردم شور و شغف ایجاد نمود، در طرف دیگر رژیم و جریانات پرو رژیم را با هراس و هذیان گویی کشاند. سفیر رژیم در مصاحبه هایش تلاش کرد با مظلوم نمایی این اقدام انقلابی را کار تعدادی "خشونت طلب" و "تروریست" نامید.

حمله نیروهای عراقی به اردوگاه مجاهدین در خاک آن کشور محکوم است.

بنا به گزارشهای اعلام شده، روز سه شنبه ۲۸ ژوئیه نیروهای ضربت و پلیس ضد شورش عراق به محل استقرار اعضا مجاهدین در قرارگاه "اشرف" حمله کرده اند. طبق اخبار منتشر شده تا کنون هفت نفر از ساکنین این اردوگاه توسط نیروهای عراقی کشته شده و بیش از سیصد نفر مجروح شده اند و این اردوگاه به اشغال این نیروها در آمده است.

شکی در این نیست که دولت اسلامی - مذهبی حاکم بر عراق، بنا برخواست جمهوری اسلامی و برای خوشخدمتی به آن به این حمله دست زده است. نوری المالکی و دولت حاکم بر عراق در چند سال گذشته فشار بر نیروهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی مستقر در خاک عراق را افزایش داده و آنرا دستمایه همکاری های ایدئولوژیک مذهبی و استراتژیک اسلام سیاسی در منطقه قرار داده و همواره بعنوان متحد جمهوری اسلامی عمل کرده است.

بهانه حمله ارتش عراق به این اردوگاه هر چه باشد این حمله جنایتکارانه را باید محکوم نمود. باید برای نجات جان و زندگی ساکنین این اردوگاه تلاش کرد. کشورهای غربی و سازمانهای مدافع حقوق بشر موظفند از جان و سلامتی ساکنین اردوگاه اشرف دفاع کنند و انتقال ساکنین این اردوگاه به کشورهای اروپایی را بعنوان پناهنده سیاسی تضمین بنمایند.

ما، حمله نیروهای ضربت و ضد شورش عراق به ساکنین اردوگاه اشرف را قویا محکوم میکنیم. از سازمانها و احزاب سیاسی اپوزیسیون میخواهیم برای تضمین امنیت جانی ساکنین این اردوگاه و برای جلوگیری از توطئه های دولت عراق علیه اپوزیسیون مستقر در آن کشور تلاشهای خود را پیگیرانه انجام دهند.

مبارزان کمونیست

۲۹ ژوئیه ۲۰۰۹

باید این رژیم آدمکش را بزیر کشید و قاتلان را به سزای اعمالشان رساند.

جانان اسلامی در چند هفته اخیر بساط شکنجه و اعدام و ترور و سر به نیست کردن فعالین اعتراضات اخیر و مخالفین رژیم اسلامی را شدت داده اند. ندا آقا سلطان سمبل اعتراضات توده ای مردم در ایران و کشورهای اروپایی را به قتل رساندند، این روزها موجی از اعدام زندانیان در ملام را در شهرهای مختلف آغاز کرده اند تا از مردم زهر چشم بگیرند. در چند روز گذشته سهراب اعرابی جوان ۱۹ ساله در زندان اوین را در حالیکه برای آزادی او از خانواده اش وسیقه خواسته بودند، زیر شکنجه کشتند و جنازش را تحویل آنها دادند. یعقوب بروایه را در اهواز کشتند. مهرداد حیدری روزنامه نگار که انتقاداتی را از وزات اطلاعات نوشته بود روز بعد به شیوه ای مشکوک به قتل رساندند. امروز خبر از اعدام ۱۴ نفر در شهر زاهدان بجرم مخالفت با رژیم در ملام را می دهند.

کشتار مردم از طریق مختلف، زندان و شکنجه و هتک حرمت زندانیان سیاسی تا کنون نتوانسته مردم را به عقب نشینی وادارد. مردم ما راهی بجز این نداریم که زندگی خودمان و آینده فرزندانمان را از شر این رژیم جنایتکار نجات دهیم. جامعه ایران از دست این حکومت اسلامی و قوانین مذهبی آن بیزارند و این رژیم را نمی خواهند!

این دولت آدمکش می خواهد دستاوردها و پیشرویهای شما در مبارزه با حکومت اسلامی را باز پس بگیرد. برای این منظور احمدی نژاد را رئیس جمهور کردند و ماموریت او همین است. ما، برای سرنگونی این نظام و متشکل کردن مردم در تقابل با سازمانهای سرکوبگر رژیم تلاش میکنیم. اینها برای بقای حکومتشان حاضرند کل جامعه را نابود کنند و نباید به آنها فرصت داد.

مبارزان کمونیست ضمن تسلیت به خانواده محترم جانباختگان اخیر، مردم را به تداوم اعتراض و مبارزه تا سرنگونی رژیم اسلامی فرامی خواند.

مرگ بر جمهوری اسلامی

مبارزان کمونیست

۲۲ تیر ۱۳۸۸

تسخیر سفارت جمهوری اسلامی در استکهلم و تنبیه مزدوران رژیم اسلامی!

امروز جمعه ۵ تیر برابر با ۲۶ ژوئن با فراخوان کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران، متشکل از احزاب سیاسی کمونیست و چپ، نهادهای مترقی، فعالین سیاسی و با شرکت صدها نفر از مردم مبارز و مخالف رژیم اسلامی از ساعت ۳ بعد از ظهر تظاهراتی در مقابل سفارت رژیم اسلامی در استکهلم برگزار کردند. تجمع کنندگان در سخنرانیها و در شعار هایشان، بر بستن این لانه جاسوسی و ترور و در پشتیبانی از مبارزات مردم در ایران تاکید می کردند. سرانجام در ساعت چهار و نیم بعد از ظهر تظاهر کنندگان خشمگین با وجود حفاظت نیروهای پلیس از سفارت خود را به درب ورودی رساندند و در یک اقدام جسورانه نردهای حیاط و در سفارت را در هم شکستند و با پرچمهای سرخ وارد محوطه سفارت شدند. تظاهر کنندگان با شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، این لانه جاسوسی تعطیل باید گردد، با مزدوران مستقر در ساختمان و محوطه آن درگیر شدند. عوامل سفارتی رژیم با چاقو باتوم و اسلحه های الکترو نیکی و رنگ پاش به مقابله با تظاهر کنندگان پرداختند. اما مردم خشمگین به مقابله با این مزدوران پرداختند و آنها تنبیه کردند. در این حمله چند نفر از مزدوران رژیم و دو نفر از مردم زخمی شدند. سر انجام با دخالت پلیس سوئد و شلیک یک تیر هوایی تظاهر کنندگان محوطه حیاط سفارت را تخلیه و مجدداً با تجمع بزرگ خود در مقابل درب ورودی سفارت تا ساعت ۸ شب تظاهرات پر شور خود ادامه دادند. مردم شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی و این تازه شروع کار ما ست، این لانه جاسوسی را تعطیل خواهیم نمود، به تظاهرات خود ادامه دادند. در طول تظاهرات میدیای سوئدی و بسیاری از رسانه های دیگر حضور داشتند و از این تظاهرات مرتباً اخبار و گزارش تهیه میکردند. اخبار و گزارشات این حرکت تعرضی مردم در رسانهای زیادی باز تاب یافت.

در این حرکت اعتراضی، مردم با سر دادن شعار، ما ندا هستیم، همه جا هستیم، پیوستگی حرکت خود را با صدای مردم مبارز ایران برای سرنگونی رژیم اسلامی نشان میدادند.

تظاهر کنندگان در پایان با سر دادن این خواست رو به دولت سوئد که اگر تا دوشنبه این لانه جاسوسی را نبندید باز خواهیم گشت این حرکت با شکوه را به پایان رسانند. مبارزان کمونیست به تمام شرکت کنندگان و دست اندر کاران این حرکت انقلابی و جسورانه تبریک و خسته نباشید میگوید.

زنده باد مبارزات انقلابی مردم بر علیه رژیم مذهبی

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد، آزادی، برابری، حکومت کارگری

مبارزان کمونیست

جمعه ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

مرگ بر جمهوری اسلامی